

کتابهای ایرانیان در برنامه‌های مدارس اسلامی هند

اکبر ثبوت*

چکیده

انتقال اسلام از ایران به هند (از مسیر خراسان و ماوراءالنهر) موجب گردید که برنامه‌های مدارس اسلامی در هند قویاً متأثر از فرهنگ ایرانی باشد. در مقاله حاضر، ادواری که در طول ۹ قرن بر این مدارس گذشته، به چهار دوره تفکیک، و جایگاه چشمگیر مؤلفات و آثار قلمی ایرانیان - در رشته‌های مختلف - در برنامه‌های مدارس مشخص شده و از مهاجرت دانش‌طلبان هندی به ایران (در دوره دوم در پایان سده ۹) و مهاجرت دانشمندان ایرانی به هند (خاصه در دوره سوم در سده دهم) به عنوان عامل مهمی برای رواج مصنفات ایرانیان به عنوان کتابهای درسی یاد شده است؛ و سرانجام تفصیل این گزارش که در دوره چهارم دو برنامه درسی جداگانه، به وسیله کسانی طراحی شد که شجره نسب علمی آنان به علمای ایران می‌رسید و با کتابهای ایشان تعلیم گرفته و متأثر از آراء و نوشته‌های آنان بودند و از همین روی در هر دو برنامه یاد شده، و کتابهای ایرانیان جایگاهی در خور داشت.

کلیدواژه: دانش اسلامی، مدارس هند، چهار مقطع زمانی، درس نظامی.

از راه خراسان و ماوراءالنهر بود که اسلام به هند وارد شد؛ و پرتو دانش در دوره اسلامی نیز از همان شهرها بر هند تابید؛^۱ و چون در آن نواحی، از دیرباز فنون فلسفه و حکمت رواج داشت، و بیشترین عنایت به علم نحو و فقه و اصول و کلام بود، این امر در هند نیز انعکاس یافت.

مدارس هند از ابتدا تا اعصار اخیر، به لحاظ برنامه و متون درسی و دگرگونی‌های مربوط به آنها، در چهار دوره - که البته کاملاً تفکیک پذیر نیستند - جا می‌گیرند:

*. عضو مشاوران علمی فصلنامه آینه میراث (تهران).

دورهٔ اوّل

در این دوره که از دههٔ پایانی سدهٔ ۶ هـ. آغاز می‌شود، تعلیم فلسفه معمول نبود و کتاب‌هایی که از ابتدای دوره تدریس می‌شد، یا در اواسط و اواخر دوره به کتب درسی افزوده شد، اینها بود:

- در نحو

۱. المصباح - ابوالفتح ناصر مُطَرِّزی (م: ۶۱۰ هـ).
۲. کافیه از متون بسیار مهمّ نحو تصنیف جمال‌الدّین ابو عمرو، کردی الاصل معروف به ابن حاجب (۵۷۰-۶۴۶ هـ) که هندیان شروح فارسی متعدّدی بر آن نوشته‌اند و از آن میان شرح عبدالواحد ابراهیم قطب بلگرامی به زبان عرفان.
۳. لب الالباب فی علم الاعراب - قاضی ناصرالدّین عبدالله بیضاوی^۲ (م: ۶۸۵ هـ) که شیخ یوسف ملتانی بر آن شرح نوشته است.
۴. ارشاد - شهاب‌الدّین دولت آبادی که حواشی او و برخی از شاگردانش بر کافیه نیز از کتاب‌های درسی بوده و شنیدنی است که: وقتی شهاب‌الدّین حاشیه بر کافیه نوشت، نسخهٔ آن را به خدمت قاضی نصیرالدّین گنبدی از مشایخ صوفیه و استادان عصر فرستاده التماس نمود که ایشان این حاشیه را درس گویند تا قبول دیگر یابد (مقبولیّتی مضاعف یابد) وی به جهت اشغال باطن^۳، یا برای سدّ باب بحث و نزاع، نظر اجمالی بر آن انداخت و گفت: خوب نوشته‌اند؛ احتیاج به درس گفتن ما نیست.^۴

- در فقه:

۱. المتفق فی فروع الحنفیة - ابوبکر محمد جوزقی حنفی (م: ۳۸۸ هـ).
۲. مجمع البحرين و ملتی النهین فی فروع الحنفیة - مظفرالدّین احمد حنفی معروف به ابن ساعاتی (م: ۶۹۴ هـ).
۳. قدوری یا مختصر قدوری - ابوالحسن احمد قدوری (۳۶۲-۴۲۸ هـ) که در هند به فارسی نیز شرح و ترجمه شده است.
۴. الهدایه - برهان‌الدّین ابوالحسن علی مرّغینانی (م: ۵۹۳ هـ) که هندیان شروح و حواشی متعدد بر آن نوشته و دوبار - و شاید بیشتر - آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند.

- در اصول فقه

۱. حُسامی موسوم به المنتخب فی اصول المذهب - حُسام الدین محمد اُحْسِیْکَتی^۵ (م: ۶۴۴هـ) که هندیان شروح و حواشی متعدد بر آن نوشته‌اند.
۲. منار موسوم به منار الانوار - ابوالبرکات حافظ الدین عبدالله نَسْفی^۶ اصفهانی الاصل (م: ۷۱۰هـ) که علمای هند شروح فارسی و عربی بسیاری بر آن نوشته‌اند.
۳. اصول فخر الاسلام علی بَزْدَوِی^۷ حنفی (م: ۴۸۲هـ) که علمای هند شروح فارسی و عربی بسیاری بر آن نوشته‌اند و پاره‌ای از شروح نیز از کتب درسی بوده است؛ و از مدرّسان آن در این دوره مولانا ظهیرالدین بهکری (بَکَرِی) که شمس الدین یحیی (م: ۷۴۷هـ) اصول بزدوی را در محضری آموخته است.^۸

- در تفسیر

۱. مدارک التنزیل از نسفی نامبرده که برخی از علمای هند به تلخیص و تحشیه آن اقدام کرده‌اند.
۲. انوار التنزیل و اسرار التأویل معروف به تفسیر بیضاوی از بیضاوی نامبرده که هندیان حواشی فراوانی بر آن نوشته‌اند.
۳. الکشاف از جارالله ابوالقاسم محمود زَمَخْشَرِی خوارزمی (۴۶۷-۵۲۸هـ) که هندیان حواشی متعددی بر آن نوشته‌اند؛ و از مدرّسان آن در این دوره، فریدالدین شافعی شیخ الاسلام اوده که علاءالدین نیلی در محضر او کشف را فرا گرفته است.^۹

- در حدیث

۱. مشارق الانوار - رضی الدین حسن صغانی منسوب به چغانیان (از شهرهای خراسان قدیم) که علمای هند شروح فارسی و عربی و اردوی متعدد بر آن نوشته‌اند.
۲. مصابیح السنة - حسین بن مسعود قَزَّاء بَغَوِی منسوب به بَغ در نزدیکی هرات (م: ۵۱۶هـ).

در ادب

۱. مقامات - ابو محمد قاسم حَرَبِرِی (۴۴۶-۵۱۶هـ) که آن را به پیروی از مقامات بدیع الزمان همدانی (م: ۳۹۸هـ) نگاشته؛ و هندیان شروح فارسی متعدد بر آن نگاشته و

آن را از بر می کردند؛ و درباره شیخ نظام الدین بدایونی گفته اند که وی مقامات را بر شیخ شمس الدین خوارزمی قرائت و چهل مقامه آن را از بر کرد.

- در کلام

۱. شرح الصحائف که متن آن را شمس الدین محمد سمرقندی و دیگران شرح کرده و برخی نیز بر شروح مزبور حاشیه نوشته اند.
برخی نیز عقیده حافظیه از نسفی نامبرده، و قصیده لامیه معروف به بدء الامالی^{۱۱} از سراج الدین علی اوشی قرغانی (م: ۵۷۵ هـ)، و تمهید از ابوشکور محمدکشی^{۱۱} سالمی حنفی را می خوانده اند؛ و از مدرّسان کتاب اخیر در این دوره: فریدالدین شکرگنج (م: ۶۶۴ هـ) عارف نامی است که خواجه نظام الدین اولیا (م: ۷۲۵ هـ) آن را بر وی قرائت کرده است.^{۱۲}

- در منطق

۱. قطبی موسوم به تحریر القواعد المنطقیه از قطب الدین بویه ری رازی (م: ۷۶۶ هـ) در شرح شمسیه نجم الدین کاتبی قزوینی (م: ۶۷۴ هـ) که هندیان حواشی متعددی بر آن نوشته اند.

- در عرفان

۱. فصوص ابن عربی (۵۶۰-۶۳۸ هـ) که هندیان شروح فارسی متعدد بر آن نوشته اند.
۲. التعرف از محمد کلابادی بخارائی (م: ۳۸۰ هـ) که هندیان شروحی نیز بر آن نگاشته اند.
۳. عوارف المعارف از عمر شهروزدی زنجانی (م: ۶۳۲ هـ) که هندیان شروح فارسی و عربی متعدد بر آن نوشته اند؛ از مدرّسان آن در این دوره سید محمد گیسودراز چشتی (م: ۷۲۰-۸۲۵ هـ) که مرید و خلیفه وی شیخ ابوالفتح علامی قریشی این کتاب را در محضر وی فرا گرفته است.^{۱۳}
۴. لمعات - به فارسی از فخرالدین ابراهیم بن بزرگمهر عراقی همدانی (۶۱۰-۶۸۸ هـ) که هندیان شروح متعدد بر آن نوشته اند.
۵. نقد النصوص - به فارسی از عبدالرحمن جامی خراسانی (۸۱۷-۸۹۸ هـ).^{۱۴}

دورهٔ دوّم

در پایان سدهٔ ۹ هـ. مُلّتان به ویرانی گرائید و بر اثر آن، عالمان از آنجا هجرت کردند و برخی به لاهور و بقیّه به دیگر جاها رفتند؛ چنانکه شیخ عبداللّه تُلّنبی به دهلی و برادرش شیخ عزیزاللّه به سَنبَهَلُ رفتند؛ و به این گونه، دورهٔ دوّم آغاز شد. شیخ عبداللّه در تُلّنبه - شهری نزدیک ملتان - تولّد یافت و پس از اتمام دروس مقدماتی به ایران رفت؛ و روزگاری دراز ملازمت ملا عبداللّه یزدی^{۱۵} را اختیار کرد و منطق و حکمت را از او فرا گرفت؛ و به هند بازگشت و مدّتی در زادگاه خود و سپس تا پایان عمر (۹۲۲ هـ) در دهلی به تدریس کتب دقیقه در منطق و حکمت اشتغال داشت؛ و اسکندر لودی شهریار هند منصب ملک العلمائی به وی داد و حرمت بسیار به او می‌نهاد و خود در درس او حضور می‌یافت. او شاگردانی مبرز تربیت کرد که بیش از چهل تن از آنان به مقامات عالیّه علمی و مرتبهٔ استادی رسیدند و با کوشش وی و برادرش که نیز مورد احترام سلطان بود، علوم عقلی در حوزه‌های هند رواجی بیش از گذشته یافت؛^{۱۶} و این کتاب‌ها به متون درسی پیشین افزوده شد:

- در منطق

- مطالع الانوار - سراج الدّین اُرْموی^{۱۷} (م: ۶۸۹ هـ) که هندیان شروحنی نیز بر آن نوشته‌اند.

- در کلام

- مواقف - قاضی عضدالدّین ایچی (۶۸۰-۷۵۶ هـ).
مانند دورهٔ اوّل، کتاب شرح الصحائف نیز تدریس می‌شده؛ و عبدالقادر بدایونی (۹۴۸-۱۰۰۴ هـ). کتاب مزبور را در محضر عبداللّه بدایونی فرا گرفته است.^{۱۸}

- در تفسیر

نیز (مانند رشته‌های دیگر) کتاب‌های دورهٔ اوّل و از جمله مدارک التّزیل تدریس می‌شد؛ و از مدرّسان این کتاب: قاضی احمد مجد نرنولی (م: ۹۲۷ هـ) که در سال‌های اقامت در آجمیر، بعد از عصر (ظاهراً در روضهٔ معین الدّین) تفسیر مدارک میان اهل مجلس بیان فرمودی چنانکه مسلوک طریق مشایخ وی بود.^{۱۹}

- در ادب

- مفتاح العلوم - سراج الدین یوسف سکاکی خوارزمی (۵۵۵-۶۲۶ هـ) که هندیان شرح و حاشیه نیز بر آن نگاشته‌اند.
در این دوره دانشمندانی از خراسان - از شاگردان بواسطه جامی و میرسید شریف جرجانی (گرگانی) استرآبادی (۷۴۰-۸۱۶ هـ) و سعدالدین مسعود تفتازانی خراسانی (۷۲۲-۷۹۲ هـ) به هند آمده و آثار استادان خویش را در این سامان رواج دادند؛ و از دیگر کتاب‌های درسی نیز:

- در کلام

۱. شرح جرجانی بر مواقف که هندیان حواشی بسیار بر آن نوشته‌اند.
۲. شرح تفتازانی بر عقاید نجم‌الدین نسفی (۴۶۱-۵۳۷ هـ) که هندیان شروع عربی و فارسی متعدد بر متن کتاب، و حواشی بسیاری بر شرح تفتازانی نوشته‌اند.

در منطق

- شرح مطالع الانوار موسوم به لوامع الاسرار - قطب رازی.

در بلاغت

- مطول و مختصر المعانی هر دو از تفتازانی در شرح تلخیص المفتاح از محمد بن عبدالرحمن قزوینی خطیب دمشق (م: ۷۳۹ هـ) که آن نیز تلخیص بخش سوم از مفتاح العلوم است و هندیان حواشی بسیاری بر هر دو شرح نوشته‌اند؛ و از مدرّسان آن در این دوره: میان حاتم سنهلی (م: ۹-۹۶۸ هـ) شاگرد و مرید عزیزالله تلبنی که گویند شرح مفتاح و مطول را از بای بسم الله تا تای تمت چهل مرتبه درس گفته - همچنین حال کتب دیگر قیاس باید کرد.^{۲۰}

- در نحو (با حذف لبّ الالباب و ارشاد دولت آبادی):

- الفوائد الضیائیه در شرح کافیه - معروف به جامی و شرح جامی - از ملا جامی که هندیان حواشی بسیاری بر آن نوشته‌اند.

در اصول فقه

- التلویح الی کشف حقائق التفتیح که شرحی است از تفتازانی بر التفتیح از عبیدالله بن مسعود بخارانی (م: ۷۴۷ هـ) که هندیان حواشی بسیاری بر آن نوشته‌اند.

در فقه

- شرح وقایه - متن از محمود محبوبی بخاری حنفی (م: ۶۷۳ هـ) و شرح از نواده وی عبیدالله نامبرده که هندیان شروح و حواشی فارسی و عربی بسیاری بر شرح مزبور نوشته‌اند.

در این دوره آثار ایجی همان‌گونه رواج داشت که کتاب‌هایی مثل شرح الهدایه صدرا در ادوار بعدی؛ و در سرگذشت مفتی جمال خان دهلوی (م: ۹۸۴ هـ) آمده است که وی کتاب عضدی را ۴۰ مرتبه از اول تا آخر درس داد، و از آثار او نیز: شرح عضدی^{۲۱} در شرح عقاید عضدالدین ایجی - یا رساله عضدیه؟

دوره سؤم

این دوره با آمدن خطیب کازرونی و عماد طارمی و سید ابوالفضل استرآبادی و سید رفیع‌الدین صفوی - چهار شاگرد جلال‌الدین دوانی کازرونی (م: ۹۰۲ هـ) - به گجرات آغاز شد؛ و با هجرت امیر فتح‌الله شیرازی (م: ۹۹۷ هـ) از ایران به بیجاپور و سپس به آگره، و رواج آثار برخی از حکیمان متأخر ایران، مانند دوانی و صدرالدین دشتکی و پسرش غیاث‌الدین منصور و ملا میرزا جان شیرازی در حوزه‌های علمیه شبه‌قاره، پایان یافت؛ و نتیجه آن، رواج بیش از پیش منطق و حکمت در نواحی مختلف هند بود. در این دوره برخی از علمای دین، در سفر به حجاز، محضر محدثان را دریافتند و دانش حدیث را از آنان فرا گرفتند - کسانی همچون شیخ محمد پنتی صاحب مجمع البحار و شیخ یعقوب کشمیری و شیخ عبدالنبی گنگوهی - و برخی نیز به سرزمین گجرات آمده و در آنجا به تدریس و افاده پرداختند - همچون شیخ عبدالمعطی و شیخ عبدالله و شیخ رحمة‌الله. پس مردم به اخذ حدیث از آنان روی آوردند و این دانش در آن ناحیه انتشار یافت؛ برخی مانند سید رفیع‌الدین شیرازی و شیخ بهلول بدخشی و حاجی اخری و میرکلان نیز به دهلی و آگره آمدند و به حدیث مشغول شدند؛ اما عامه مشتغلان، بر همان اشتغال پیشین - منطق و حکمت - باقی ماندند تا شیخ عبدالحق

محدّث دهلوی بخارائی الاصل (۹۵۸-۱۰۵۲ هـ) پیامد و به تدریس حدیث پرداخت و زندگی خود را وقف آن کرد و در رشته‌های وابسته به آن، آثار بسیاری به فارسی و عربی پدید آورد.

از جمله کتابهایی که در این دوره تدریس می‌شد:
در نحو

۱. شرح جامی

در معانی و بیان

۲. مختصر و مطّول تفتازانی.

در تفسیر

۱. بیضاوی؛ و از مدرّسان آن در این دوره: شیخ حسام‌الدین متقی ملتانی که شیخ علی متقی برهانپوری (م: ۹۷۵ هـ) تفسیر بیضاوی را به خدمت ایشان مطالعه نمود.^{۲۲}
۲. مدارک التنزیل

- پاره‌ای تفاسیر دیگر را نیز برخی از علما تدریس می‌کرده‌اند و: عبدالعزیز دهلوی (م: ۹۷۵ هـ) تفسیر عرائس (از روز بهان بقلی شیرازی؟) به تلامذه درس گفتی.^{۲۳}

در حدیث

۱. الجامع الصحیح - ابو عبداللّه محمد بخاری (۱۹۴-۲۵۶ هـ) که مهم‌ترین مجموعه‌های حدیثی اهل سنّت است و علمای هند شروح متعددی به فارسی و عربی بر آن نوشته‌اند؛ و از مدرّسان آن در این دوره، عنایت اللّه کشمیری (م: ۱۱۲۵ هـ)، سی و شش مرتبه مذاکره صحیح بخاری از اوّل تا آخر نمود.^{۲۴}

۲. الشمائل النبویة - ابو عیسی محمد ترمذی (۲۰۹-۲۷۹ هـ) که نیز علمای هند شروح فارسی و عربی بسیاری بر آن نوشته‌اند.

۳. مشکوة المصابیح - ولی‌الدین محمّد بن عبداللّه خطیب (سده ۸ هـ) که تدوین تازه‌ای است از مصابیح السنّة تألیف حسین بن مسعود فراء بغوی شافعی (م: ۵۱۶ هـ)؛ و علمای هند شروح متعددی به فارسی و عربی بر آن نوشته‌اند؛ و برخی نیز آن را بالتمام

از بر می‌کرده‌اند؛ چنانکه در این دوره بابا داود کشمیری (م: ۱۰۹۷ هـ) را می‌شناسیم که حافظ مشکوة بود و بدین وجه او را مشکوتی می‌گفتند.^{۲۵}

در این دوره، حتی برخی از علمای شیعه به تدریس مشکوة و دیگر کتب حدیث سنیان می‌پرداخته‌اند؛ و در سرگذشت میر مرتضی شریفی شیرازی (م: ۹۷۴ هـ) نبیره میرسید شریف جرجانی می‌خوانیم که مذهب تشیع داشت؛ اما علم حدیث را در مکه از ابن حجر مکی مخالف سرسخت شیعه فراگرفت و اجازت تدریس یافت؛ و به هند آمده در دستگاه اکبر بر اکثر فضلا تقدم یافت؛ و به تدریس علوم حکمی پرداخت و از تدریس علوم دینی هم غافل نبود؛ و کتاب‌های احادیث اهل سنت مثل مشکوة المصابیح و شمایل النبی را درس می‌گفت؛ و برخی از علمای سنت مثل بیکی غزنوی این دو کتاب را بروی قرائت کردند.^{۲۶}

در فقه

۱. شرح وقایه.
۲. الهدایه.

در اصول فقه

۱. حسامی.
۲. توضیح در شرح تنقیح که مانند متن از عبیدالله بخارانی است.
۳. تلویح.

در منطق

۱. شرح شمسیه.
۲. شرح مطالع.

در کلام

۱. شرح تفتازانی بر عقاید نسفی.
۲. حاشیه شرح عقاید نسفی معروف به خیالی - شمس الدین احمد خیالی (۸۲۹ هـ).
۸۶۲ هـ.

۳. شرح مواقف؛ و از مدرّسان آن در این دوره: مولانا محمّد ولی خانو، که مولانا احمد احمدآبادی (م: ۱۱۱۲ هـ.) این کتاب را در محضر او خواند.^{۲۷}
در عرفان

۱. عوارف؛ و از مدرّسان آن در این دوره، عبدالعزیز دهلوی سابق الذکر.^{۲۸}

۲. رسایل نقشبندیّه.

۳. شرح رباعیات جامی.

۴. مقدمه شرح جامی بر لمعات عراقی.

۵. مقدمه نقد النصوص.

۶. لوائح - فارسی از جامی.

کتاب‌های دیگری هم - در پاره‌ای موارد - تدریس می‌شده است چنانکه عبدالعزیز نامبرده، فصوص و شروح آن، و شیخ چاین میواتی (م: ۹۹۸ هـ) کتاب‌هایی مثل فصوص و نقد النصوص را درس می‌گفتند.^{۲۹}

در طب

۱. موجز القانون - فشرده قانون ابن سینا (م: ۴۲۸ هـ) به قلم علاءالدین علی قرشی (م: ۶۸۷ هـ) که هندیان شروح فارسی متعددی بر آن نوشته‌اند.

در فلسفه و ریاضیات

۱. شرح هدایة الحکمة - متن از اثیرالدین مُفَضَّل ابهری زنجانی (م: ۶۶۱ هـ.) و شرح از میر حسین میبندی یزدی (م: ۹۱۱ هـ) که علمای هند شروح بسیاری بر متن مزبور و حواشی فراوانی بر شرح نامبرده نوشته‌اند؛ و از مدرّسان آن در این دوره: میر فتح الله شیرازی.^{۳۰}

۲. پاره‌ای رساله‌ها در هیئت و حساب.^{۳۱}

از کتاب‌های دیگری هم که در این دوره تدریس می‌شده است

احیاء العلوم از امام محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵ هـ) در عرفان و اخلاق، و خلاصه آن به فارسی موسوم به کیمیای سعادت از مؤلف متن، و فتاوی هندیه در فقه (تألیف گروهی از علمای سنّی هند) که اورنگ‌زیب امپراطور هند، سه روز در هفته این

سه کتاب را با سید محمد حسینی قنوجی و محمد شفیع یزدی و نظام الدین برهانپوری مذاکره می‌کرده است.^{۳۳}

دیوان حافظ؛ که اکبرشاه امپراطور هند، سبقی چند از آن - و جز آن - را بر میر عبداللطیف قزوینی (م ۹۸۱ هـ) از سادات حسنی سینی خواند.^{۳۳}
- گلستان سعدی؛ و به عنوان نمونه‌ای از مدرّسان آن، این گزارش، جالب است که:
شیخ نورالدین احمدی گجراتی (۱۰۶۳ - ۱۱۵۵ هـ) در صغر سن گلستان را پیش والدۀ خود در هفت روز خوانده بود.^{۳۴}

دوره چهارم

در این دوره که از سده دوازدهم و شاید از اواخر سده یازدهم هجری آغاز می‌شود، برنامه درسی دیگری به وسیله قطب الدین انصاری سَهالوی و سپس فرزندش نظام الدین به مورد اجرا در آمد. شجره نسب علمی قطب الدین، با سه واسطه به امیرفتح الله شیرازی پیشگفته میرسید^{۳۵} و در برنامه نامبرده، که به نام نظام الدین، درس نظامی خوانده می‌شد، توجه زیادی به فراگیری دانش‌های عقلی بود. در کنار این برنامه نیز برنامه درسی دیگری به وسیله شاه ولی الله دهلوی و فرزندش عبدالعزیز عرضه گردید که مهم ترین هدف آن، نشر و ترویج احادیث اهل سنت بود.
شجره نسب علمی دهلوی نیز با پنج واسطه به جمال الدین محمود شیرازی شاگرد جلال الدین دوانی می‌رسد.^{۳۶}
مدارس دینی مسلمانان سنی در هند از آغاز عرضه این دو برنامه تا اعصار اخیر، عموماً پیرو یکی از آن دو، یا دارای برنامه‌ای آمیخته از آن دو بوده‌اند.

مواد و کتاب‌های درسی در «درس نظامی»
الف - صرف

۱. میزان الصرف - فارسی از سراج الدین اودهی یا لودهی
۲. منشعب - فارسی از همان سراج الدین یا از حمیدالدین کاکوزوی (۱۱۳۲- ۱۲۱۵ هـ)
۳. صرف میر - فارسی از شریف جرجانی (۷۴۰- ۸۱۶ هـ).
۴. پنج گنج - فارسی از سراج الدین لودهی.

۵. زبده (همان کتاب فارسی زبده‌الصرف از ظهیر علوی که گویند در سده ۹ هجری می‌زیسته است).
۶. فصول اکبری - فارسی از سیّد علی اکبر حسینی اله آبادی (م: ۱۰۹۰ هـ).
۷. شافیه - ابن حاجب.

ب - نحو

۱. نحو میر - فارسی از جرجانی.
۲. شرح مائة عامل - متن از عبدالقاهر جرجانی (م: ۴۷۴ هـ) که هندیان شروح فارسی متعدّد بر آن نوشته‌اند.
۳. هداية النحو - ابوحنّان آندلسی (۶۵۴-۷۴۵ هـ).
۴. کافیه - ابن حاجب.
۵. شرح جامی.

ج - منطق

- ۱ و ۲. صغری و کبری هر دو به فارسی از شریف جرجانی.
۳. ایساغوجی - از اثیرالدین ابهری مصنف هداية الحكمة.
۴. تهذیب المنطق - سعدالدین تفتازانی که علمای هند شروح متعدّد بر آن نوشته‌اند.
۵. شرح تهذیب المنطق معروف به منطق حاشیه و حاشیه ملاً عبدالله یزدی (م: ۹۸۱ هـ) که علمای هند حواشی متعدّد بر آن نوشته‌اند.
۶. شرح شمسیه
۷. شرح قطبی (میر قطبی) از جرجانی.
۸. سلم العلوم محب الله بهاری (م: ۱۱۱۹ هـ) که شاگرد بی‌واسطه و به واسطه قطب‌الدین انصاری؛ و خود از میرداماد و ملاً صدرا متأثر است. و بسیار هم. و محققان شبه‌قاره بدین نکته اعتراف کرده‌اند. و از تعلیقه نویسان بر صدرا نیز هست.
- ۹ و ۱۰. حاشیه میرزا هد هروی (م: ۱۱۰۱ هـ). و از احفاد ملاً خواجه کوهی خراسانی) بر شرح تهذیب المنطق از جلال دوانی؛ و حاشیه او بر مبحث علم از رساله قطبیه تصنیف قطب‌الدین رازی، که علمای هند بر هر دو حاشیه تعلیقه‌های بسیار نوشته‌اند.

د- فلسفه

۱. شرح میر حسین میبدی بر هداية الحكمة (یا به اختصار: میبدی).
۲. تا مبحث مکان از شرح ملاً صدرا (م: ۱۰۵۰ هـ) بر هداية الحكمة - یا به اختصار: صدرا - که هندیان نزدیک صد تعلیقه بر آن نوشته‌اند و در جای دیگری به آن خواهیم پرداخت.
۳. شمس بازغه - محمود جوئیپوری شاگرد میر فندرسکی. ۳۷.

ه- ریاضی و هیئت

۱. خلاصة الحساب - شیخ بهائی (۹۵۳-۱۰۳۱ هـ) که علمای هند شروح و حواشی فارسی و عربی متعدّد بر آن نوشته‌اند.
۲. مقاله اول از تحریر اقلیدس - خواجه نصیر طوسی (۵۹۷-۶۷۲ هـ) که علمای هند حواشی متعدّد بر آن نوشته‌اند.
۳. تشریح الافلاک - شیخ بهائی که علمای هند شروح متعدّد بر آن و حواشی بر پاره‌ای از شروح آن نگاشته‌اند.
۴. رساله هیئت - ملاً علی قوشچی سمرقندی (م: ۸۷۹ هـ) معروف به رساله قوشچیه که علمای هند شروحي نیز بر این کتاب فارسی نوشته‌اند.
۵. باب اول از شرح چغمینی در هیئت - متن از محمود خوارزمی (م: ۷۴۵ هـ) و شرح از موسی پاشا معروف به قاضی زاده رومی (سده ۹ هجری) که بر دانشمندان خراسان و ماوراءالنهر همچون ملاً زاده هروی شاگردی کرد و بر شرح هروی بر هداية الحكمة حاشیه نوشت و در ایران به کار رصد پرداخت و... ۳۸.

و- بلاغت

- ۱ و ۲. مختصر المعانی، مطول تا انا قلت.

ز- فقه

۱. شرح وقایه (نیمه اول).
۲. هدایه - مرغینانی (نیمه دوّم).

ح - اصول فقه

۱. نورالانوار - احمد جیون (۱۰۲۷ - ۱۱۳۰ هـ) که شرحی است بر منارالانوار.
۲. توضیح در شرح تنقیح.
۳. تلویح الی کشف حقایق التنقیح (تا مقدمات چهارگانه).
۴. مسلم الثبوت - محبّ اللّٰه بهاری (تا مبادی کلامیه).

ط - کلام

۱. شرح عقاید تفتازانی.
۲. شرح جلال الدین دوانی بر عقاید عضدالدین ایجی.
۳. شرح موافق.
۴. حاشیه میرزا همد هروی بر شرح موافق.

ی - تفسیر قرآن

۱. تفسیر بیضاوی.
۲. جلالین - جلال الدین محلی (۷۹۱ - ۸۶۴ هـ) و جلال الدین سیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱ هـ).

ک - حدیث

۱. مشکوٰۃ المصابیح
- در کنار کتاب‌های نامبرده که کتاب‌های اصلی درسی در برنامه «درس نظامی» به شمار می‌آمد، بعدها کتاب‌های فراوان دیگری نیز تدریس می‌شد که غالباً شرح و حاشیه یا شرح بر شرح و حاشیه بر حاشیه همین کتاب‌ها بود^{۳۹} و ذکر تمامی آنها در اینجا ضرورتی ندارد.
- چنانکه ملاحظه می‌شود، در «درس نظامی»، «دانش‌های عقلی - ریاضی و هیئت، منطق، کلام و فلسفه» جایگاه ویژه‌ای داشته و کلیه کتاب‌هایی هم که برای آموزش این علوم تدریس می‌شده^{۴۰} به جز سه کتاب شمس بازغه و شرح چغمینی و سلم العلوم از آثار دانشمندان ایران و خراسان بزرگ و درکشیری موارد شیعی مذهب بوده،^{۴۱} چنانکه برای فراگرفتن دانش‌های دینی و ادبی - و حتی زبان و ادبیات عرب - نیز غالباً از آثار علمای ایران استفاده می‌شده است.

مدارس پیرو «درس نظامی» و سرانجام فَرنگی محل

برنامه «درس نظامی» که در سده دوازدهم به نام نظام‌الدین سَهالوی عرضه شد - و مواد کتابهای درسی مربوط به آن را در ذیل عنوان «دوره چهارم» یاد کردیم، نخستین بار به صورت رسمی و گسترده در حوزه فرنگی محل^{۴۲} در لَکهنُو به اجرا درآمد؛ و از آن پس در بسیاری از مدارس هند مورد قبول قرار گرفت. در عصر حاضر نیز شبکه گسترده‌ای از مدارس در شهرهای بزرگ هند وجود دارد که جملگی پیرو برنامه درس نظامی به شمار می‌آیند؛ و البته مواد و کتاب‌های درسی آنها، کم و بیش، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد؛ و نسبت به گذشته‌ها تغییر کرده؛ و خصوصاً توجه چندانی به دانش‌های عقلی در بسیاری از آنها به چشم نمی‌خورد.

در خاتمه توضیحاتی درباره پاره‌ای از کتابهای درسی سه مدرسه از مدارس بریلویان (یکی از دو سه شاخه اصلی اهل سنت در هند) در عصر حاضر که پیرو برنامه درس نظامی هستند:

۱. دارالعلوم اشرفیه - مبارکپور

این مدرسه در آغاز «مدرسه لطیفیه مصباح العلوم» نام داشت و در سال ۱۹۰۸ م. با کوشش‌ها و تشویق‌های اشرفی میان - چشم و چراغ خانواده سمنانی تأسیس گردید. خانواده نامبرده خود را به سید جهانگیر اشرف سمنانی (م: ۸۰۸ ه) از عرفای بزرگ ایران منسوب می‌دارند که از وطن خود سمنان هجرت کرد؛ و پس از گشت و گذار در مناطق مختلف و دیدار با بزرگانی همچون حافظ شیرازی و میر سید علی همدانی، به هند رفت؛ و در آنجا رحل اقامت افکند و بساط ارشاد گسترده؛ و آثار متعدد وی به فارسی، هنوز مورد استفاده اهل معرفت است.^{۴۳}

دارالعلوم اشرفیه از آغاز تاکنون از مراکز تعلیم درس نظامی و آموزش فارسی بوده؛ و تا سال ۱۹۹۰ م. ۳۹۰۳ تن فارغ‌التحصیل داشته است؛ مدت تحصیل در آن هفت سال و بخشی از آن به نسوان اختصاص دارد. در این مدرسه، شرح الهدایة صدرای دیگر آثار علمای ایران در تفسیر و حدیث و منطق و حکمت و ادب تدریس می‌شده - و شاید هنوز می‌شود و از میان آثار مزبور:

۱. در پایه سوّم: هدایة الحکمة - ابهری، حاشیه ملا عبدالله یزدی.

۲. در پایه چهارم: قطبی - از قطب رازی در شرح شمسینه کاتبی قزوینی، شرح قطبی یا میر قطبی از شریف جرجانی، کیلله و دمنه (ترجمه عربی به قلم ابن مَقَفَّع؟) و ...

۳. در پایه هفتم: صحاح شش گانه (در حدیث) و تفسیر بیضاوی.

در گذشته نه چندان دور، گاهی برای آموزش عربی هم از متون فارسی استفاده می کردند (نحو میر از میرسید شریف جرجانی - در پایه اول) و شاید هنوز چنین باشد؛ و طالبان علم موظف اند که در احوال و آثار بزرگانی همچون امام غزالی طوسی و امام فخر رازی؛ و در تاریخ و مآثر شهرهائی مانند مکه و مدینه و شیراز به مطالعه پردازند.^{۴۴}

۲. جامعه حبیبیه - الله آباد

این مدرسه در سال ۱۳۵۸ هـ. (۱۹۴۰ م.) در شمال هند در شهر الله آباد - ایالت اترپرادش - به نام فقید مولانا حاج حبیب الرحمن معروف به مجاهد ملت تأسیس شده و از مراکز تحصیل درس نظامی است؛ و در آنجا علاوه بر انشا و مکالمه و دستور زبان فارسی، متون ادبی زیر را می آموزند:

۱. گلستان - از باب اول تا پایان باب پنجم (در پایه اول).

۲. بوستان - از آغاز تا پایان باب چهارم، پنج گنج مشتمل بر چهار منظومه و یک رساله فارسی؛^{۴۵} کریم منسوب به سعدی، نام حق از شرف الدین بخارایی، محمودنامه از محمد محمود لاهوری، پندنامه از عطار نیشابوری، رساله فقهی از قاضی قطب الدین کاشی (در پایه دوم).

۳. آمدنامه^{۴۶} (در پایه اول).

در گذشته نه چندان دور، گاهی برای آموزش عربی نیز از کتاب های فارسی نظیر کتب زیر استفاده می کردند و شاید هنوز چنین باشد:

۱ تا ۴. صرف میر و نحو میر - هر دو از جرجانی (در پایه اول)، میزان الصرف، منشعب (نیز).

کتاب هائی هم که برای تعلیم دانش های عقلی می آموزند، غالباً از آثار علمای ایران و شروح و حواشی هندیان بر آنهاست همچون:

۱. در منطق: صغری و کبری. متن هر دو کتاب به فارسی و از آثار میرسید شریف جرجانی (در پایه دوم)، تهذیب المنطق تفتازانی خراسانی و حاشیه ملا عبدالله یزدی (در پایه سوم)، قطبی و میر قطبی (در پایه چهارم)، حاشیه میر زاهد بر شرح دوانی کازرونی بر تهذیب؛ تعلیقه عبدالعلی لکنوی بر همین حاشیه، حاشیه میرزاهد بر رساله قطب رازی در باب تصوّر و تصدیق - مبحث علم، حاشیه غلام یحیی بهاری بر حاشیه نامبرده (در پایه هفتم).

۲. در کلام: شرح عقاید نسفی با حاشیه خیالی بر آن (در پایه پنجم) حاشیه میرزاهد بر شرح مواقف (در پایه هشتم).

۳. در فلسفه: هدایة الحکمه تصنیف ابهری (در پایه چهارم)، شرح عبدالحق خیرآبادی بر هدایة ابهری (در پایه هفتم)، شرح الهدایة صدرا - مبحث جزء لایتجزی و تمامی دلایل ریاضی که در ضمن آن اقامه شده است (در پایه هشتم) که تدریس کتاب اخیر از سال ۱۹۶۵ م. در مدرسه حبیبیه متداول گردیده است.

نام کتاب‌های دیگری مانند شرح خواجه طوسی بر اشارات ابن سینا، شرح علی قوشچی بر تجرید طوسی، رساله قشیریه از ابوالقاسم قشیری نیشابوری در عرفان، بخشی از البیان و التبیان مشتمل بر خطبه‌های امام علی (ع) و غیره، در نصاب این مدرسه نه پایه‌ای آمده است که پاره‌ای از آنها کتاب درسی و بقیه کتاب‌های کمک درسی است.^{۲۷}

۳. دارالعلوم غریب‌نواز - الله آباد

در سال ۱۹۶۵ م. در شهر الله آباد و به نام خواجه معین‌الدین سیجزی (سیستانی) معروف به غریب‌نواز تأسیس شده و از مراکز تحصیل درس نظامی است. برنامه سالانه آن از دهم شوال آغاز و در بیستم شعبان پایان می‌یابد. و در آنجا علاوه بر دستور زبان فارسی، پاره‌ای از متون ادبی فارسی هم تدریس می‌شود - همچون: گلستان که در نیمه اول سال اول (درجه فوقانی) می‌خوانند - و بوستان و پنج گنج که در نیمه دوم برای آموزش عربی هم بعضاً در گذشته از متون فارسی مانند نحو میر، کمک می‌گرفتند و شاید هنوز چنین باشد (در نیمه دوم سال اول). برای تدریس علوم عقلی نیز این کتاب‌ها را درس می‌دهند: هدایة الحکمه (در نیمه اول و دوم سال چهارم - درجه مولوی)، قطبی و شرح میبیدی بر هدایة ابهری (سال اول - رشته معقولات)، قطبی و میرقطبی و میبیدی (سال دوم)، شرح الهدایه از صدرا و... (سال سوم)، حاشیه میرزاهد بر رساله قطب رازی در تصور و تصدیق (سال چهارم)، شرح چغمینی و تحریر افلیدس (از خواجه طوسی) و شرح مواقف (سال اول تخصص در دانش‌های عقلی) و شرح اشارات خواجه و محاکمات قطب رازی هر دو در منطق و طبیعی و الهی (سال دوم).

در عرفان: احیاء العلوم غزالی طوسی (رشته تبلیغ و مناظره سال چهارم) قشیریه (رشته خطابه و مناظره سال اول).

عوارف المعارف از ابو حفص سهروردی زنجانی (همان - سال دوّم).
 ملل و نحل از محمد بن عبدالکریم شهرستانی (نیز).
 در رشته تخصص در ادب عربی بخش نامه‌ها از نهج البلاغه یکی از مواد درسی
 است.

کتاب‌هایی همچون حاشیه غلام یحیی بر حاشیه میرزاهد بر رساله قطب رازی
 درباره تصوّر و تصدیق، حاشیه عبدالعلی لکهنوی بر حاشیه میرزاهد بر شرح دوانی بر
 تهذیب و غیره نیز از جمله کتاب‌های کمک درسی به شمار می‌رود.

پی‌نوشت‌ها

۱. الثقافة الاسلامیة فی الهند، عبدالحی حسنی لکهنوی، دمشق، مطبوعات المجمع العلمی العربی، ۱۳۷۷، ص ۹
 به بعد.
۲. بیضا: شهری در ایالت فارس در جنوب ایران.
۳. اشتغالات معنوی و باطنی.
۴. تذکرة علمای هند، رحمان علی، لکهنو، مطبع نولکشور، ۱۳۱۲، ص ۲۳۸.
۵. اخیسکت شهری در ماوراءالنهر - از خراسان قدیم.
۶. نسف یا نخشب شهری در ماوراءالنهر - از خراسان قدیم.
۷. بزده از قریه‌های نسف.
۸. تذکرة علمای هند، ص ۸۶.
۹. همان، صص ۴۱ - ۱۴۰.
۱۰. بر این کتاب علمای هند شروع متعدد نوشته‌اند.
۱۱. کش، شهری نزدیک سمرقند.
۱۲. تذکرة علمای هند، ص ۲۴۰.
۱۳. همان، ص ۶.

۱۴. ۱- متون فارسی دیگری - مانند مثنوی معنوی، دیوان حافظ، گلستان، بوستان، اسکندرنامه نظامی، یوسف و
 زلیخای جامی، قصاید عرفی شیرازی - نیز در این دوره یا ادوار بعدی، در هند تدریس می‌شده است که
 پاره‌ای از آنها از کتب مقدماتی درسی بوده است؛ و تدریس هریک از آنها در طول تاریخ هند، و کارهایی
 که هندیان بر روی هر کدام از آنها انجام داده‌اند، می‌تواند موضوع بررسی‌هایی باشد که جداگانه باید به آن
 پرداخت.

۲- توضیحات مربوط به کتاب‌ها و مؤلفان آنها را در کشف‌الظنون، کاتب چلبی معروف به حاجی خلیفه، ۲
 ج، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰؛ الثقافة الاسلامیة؛ تذکرة مصنفین درس نظامی، اخترراهی، لاهور، مکتبه

رحمانیه، ۱۳۹۸؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه گنج بخش، احمد منزوی، ۵ ج، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۵۷، ۱۳۵۹، ۱۳۶۱، ۱۳۸۴ ش؛ فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، اسلام آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۴ ج، ۷۵-۱۳۶۲ ش می‌توان یافت.

۱۵. عبدالحی حسنی محقق هندی، این مرد را همان ملا عبدالله یزدی صاحب حاشیه معروف در منطق می‌داند (الثقافة الإسلامية، ص ۱۳) ولی بعید است چنین باشد؛ زیرا صاحب حاشیه در سال ۹۸۱ ه. یعنی شصت سال پس از وفات تلمبی درگذشته است (الذریعة الی تصانیف الشیخه، آقازیرگ تهرانی، ج ۶، تهران، ۱۳۶۶، صص ۵۳، ۶۰، ۷۱).

۱۶. نزهة الخواطر، عبدالحی حسنی لکهنوی، حیدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانية، ۱۴۰۸، ج ۴، صص ۸۰-۱۷۹، ۹-۱۹۸، تذکره علمای هند، صص ۱۰۱، ۴۰-۱۳۹.

۱۷. منسوب به ارومیه از شهرهای آذربایجان.

۱۸. تذکره علمای هند، ص ۱۰۴.

۱۹. همان، صص ۸-۹.

۲۰. همان، ص ۴۵.

۲۱. همان، صص ۴-۴۳.

۲۲. همان، ص ۱۴۶.

۲۳. همان، ص ۱۲۱.

۲۴. همان، ص ۱۵۲.

۲۵. همان، ص ۶۰.

۲۶. همان، صص ۴، ۳۴-۲۲۳.

۲۷. همان، ص ۱۲.

۲۸. همان، ص ۱۲۱.

۲۹. همان، صص ۴۰، ۱۲۱.

۳۰. نزهة الخواطر، ج ۴، ص ۵-۲۲۴، تذکره علمای هند، ص ۱۶۰، مدارس اسلامی هند در طول تاریخ و جایگاه فرهنگ ایران در آنها، اکبر ثبوت، دهلی، ص ۱۸، ۲۹ (به نقل از هندوستان کی قدیم اسلامی درسگاهین، صص ۸-۲۵۷، ۲۶۱، ۲۶۵، ۳۰۱).

۳۱. شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ه) که بزرگترین دانشمند مسلمان هندی است، تمام کتاب‌هایی را که با ذکر شماره یاد کردیم، در محضر پدرش شاه عبدالرحیم (م: ۱۱۳۱ ه) فرا گرفته است - بعضی را تماماً و از بقیه پاره‌ای بخش‌ها را (نزهة الخواطر، ج ۶، ص ۳۹۹، اناس العارفين، ولی الله دهلوی، ترجمه اردو از محمد فاروق القادری ۵-۴۰۴).

۳۲. نزهة الخواطر، ج ۶، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۲۹.

۳۳. تذکره علمای هند، ص ۱۳۲.

۳۴. همان، ص ۲۴۷.

۳۵. بنگرید به گفتار دیگری به همین قلم به عنوان «فیلسوف نونه‌ره» در آینه میراث، ضمیمه شماره ۲، ص ۵۸.

۳۶. مدارس اسلامی هند، صص ۴-۵۳، ۳۰.
۳۷. مصنفین درس نظامی، اختر راهی، صص ۱۸، ۲۲-۲۰؛ رود کوثر، شیخ محمد اکرام، لاهور، سراج منیر، ۱۹۹۰ م، ص ۶۰۵؛ تذکره علمای هند، ص ۱۷۸، الثقافة الاسلامیة، ص ۱۶؛ تحفة اثنا عشریة، شاه عبدالعزیز دهلوی، لاهور، سهیل اکیدمی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۸.
۳۸. الذریعہ، ج ۱۴، النجف، ۱۳۸۱، صص ۴-۱۷۳.
۳۹. الثقافة الاسلامیة، ص ۱۷، مصنفین درس نظامی.
۴۰. مجموعاً ۲۸ کتاب اعم از متون و شروح و حواشی.
۴۱. مؤلفان سه کتاب نامبرده نیز با آنکه ایرانی نیستند ولی از فیض یافتگان دانایان ایرانند (فیلسوف شیرازی در هند، اکبر ثبوت، تهران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۱۳۸۰ ش، صص ۵-۷۴).
۴۲. نام کاخی باشکوه که یک بازرگان فرنگی (فرانسوی) بنا کرد (و بدین جهت فرنگی محل نامیده شد) و بعدها اورنگ زیب آن را به خانواده نظام‌الدین بخشید (فیلسوف شیرازی در هند، ص ۴۱- بانویس)
۴۳. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، احمد منزوی، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۳ ش، ج ۳، صص ۵-۱۸۳۴.
۴۴. ماهنامه اشرفیہ، چاپ هند، جنوری ۱۹۹۰ م.
۴۵. اثر فارسی دیگری هم به نام پنج گنج در صرف زبان عربی می‌شناسیم که کتاب درسی بوده و هست (فهرست مشترک، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی، ۱۳۷۰ ش، ج ۱۳، ص ۲۵۷۵، مصنفین درس نظامی، ص ۲۶۹) و گاهی با پنج گنج مذکور در متن خلط شده است.
۴۶. همان که به قلم محمد فضل امام خیرآبادی است؟ (بنگرید به: فهرست مشترک، اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۷ ش، ج ۱۰، ص ۱۳۵)
۴۷. نصاب جامعه حبیب‌الله آباد، چاپ هند، پاسخ‌هایی که آقای دکتر اختر مهدی الله آبادی از اولیای مدرسه گرفته و یادداشت کرده‌اند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی